

# نگریستن در تلاؤ نور

نقد و بررسی کتاب

عبدالحسین طالعی



تلاؤ نور، مروری بر زندگی و آثار محدث نوری؛ مجید معارف؛ تهران: مؤسسه همشهری و انتشارات امیرکبیر (سلسله اندیشه مندان ایران و اسلام)، ۱۳۹۳، ۱۴۷ صفحه.

(۱)

سخن گفتن درباره زندگی و آثار بزرگان همواره شیرین است و جان را جلا می‌دهد، به ویژه آنگاه که بر بزرگی گرد نسیان و بی‌توجهی نشسته باشد که در این حال، این شیرینی مضاعف می‌شود. در چنین حالتی آن شخصیت حقی بر عهده ما دارد که ما نه تنها حق او را نگزارده‌ایم، بلکه او را به ظلم خود گرفتار کرده‌ایم. هشدار امام جواد (علیه السلام) را باید جدی بگیریم که فرمود: «نعمه لا تُشکر کسیئة لا تُغفر»: نعمتی که شکر آن ادا نشود، مانند گناهی است که آمرزیده نشود.<sup>۱</sup>

کیفر این کفران، بسی سنگین است و لذا حضرت سید الساجدین (صلوات الله علیه) یکی از دعاها را برای خود را با این جمله می‌آغازد:

«اللهم انی اعتذر الیک من مظلوم ظلم بحضرتی فلم أنصره».<sup>۲</sup>

محدث جلیل، میرزا حسین بن محمد تقی نوری (۱۲۵۴ - ۱۳۲۰ ق) در شمار بزرگانی است که با وجود حق فراوانی که بر ما دارد، در جنبه انواع جهل و ناسپاسی آیندگان و نسل‌های پس از خود گرفتار آمده و حق او ادا نشده است.

۱. بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۳۶۵.

۲. صحیفه سجاده، دعای ۳۸.

چکیده: کتاب تلاؤ نور کتابی است که با هدف شناساندن چهره و آثار محدث نوری که در نیمه دوم سده سیزدهم و نیمه نخست سده چهاردهم می‌زیست، توسط مجید معارف به نگارش درآمده است. نویسنده در نوشتار حاضر تلاش دارد این اثر را معرفی نماید. از این رو، مطالب را با معرفی مختصر بخش‌های اصلی کتاب آغاز و در ادامه، نکاتی برای تکمیل و روزآمد کردن آن بیان می‌دارد. در نهایت، برخی خطاهای چاپی راه یافته به متن اثر را متذکر می‌شود.

کلیدواژه: کتاب تلاؤ نور، معرفی کتاب، محدث نوری، مجید معارف، حسین بن محمد تقی نوری.

گرفت. درک هوشمندانه این نکته که بخشی از درس علم الحدیث، شرح حال عالمان شاخص این علم در سده‌های پیشین و متأخر است، دکتر معارف را به معرفی شیخ صدوق و محدث نوری - آن هم برای عموم، نه فقط خواص - واداشته است.

## (۳)

کتاب تالو نور سه بخش اصلی دارد: زندگی‌نامه محدث نوری (ص ۱۳ - ۵۰)، خدمات دینی و علمی محدث نوری (ص ۵۱ - ۸۲) و آثار علمی محدث نوری (ص ۸۳ - ۱۴۲).

نویسنده مقدمه کتاب را با کلامی از مرحوم نوری در باب ضرورت و فایده توجه به شرح حال بزرگان آغاز می‌کند که او خود در آغاز کتاب الفیض القدسی (شرح حال علامه مجلسی) آورده است. آن‌گاه به جایگاه مهم محدث نوری در علم الحدیث اشاره می‌کند که متأسفانه اقدام در خور برای شناساندن ایشان انجام نشده است و این واقعیت تلخی است و خوشبختانه نویسنده گامی برای رفع این کمبود برداشته است.

فواید این کتاب کم نیست. از بیان آنها می‌گذرم و خوانندگان گرامی - به ویژه دانشجویان رشته‌های علوم قرآن و حدیث در مقاطع مختلف - را به اصل کتاب ارجاع می‌دهم و به بهره‌گیری از آن فرامی‌خوانم، اما در این فرصت برآنم تا به حکم حدیث گرانقدر حضرت امام صادق (علیه السلام): «أحب إخوانی...» به نکاتی برای بهتر شدن کتاب - تا برای چاپ‌های بعدی در نظر گیرند - اشاره کنم.

## (۴)

از آنجا که این کتاب به عنوان کتابی مرجع در شناخت محدث نوری به کار می‌آید، نکاتی برای تکمیل و روزآمد کردن کتاب بیان می‌شود:

ص ۱۵. ضمن نام‌های کتابهای میرزا محمد تقی نوری به کتاب ماتمکده در باب مراثی حضرت اباعبدالله (علیه السلام) اشاره کرده‌اند.

نگارنده گوید: از بعضی از بازماندگان این خاندان شنیده‌ام که میرزا محمد تقی به اقامه شعائر حسینی اهتمام بسیاری داشت و املاک و اموال چندی برای این کار وقف کرده بود که در آن مناطق موجود است. این کتاب را در همان راستا نوشته و ظاهراً تنها کتاب چاپ شده ایشان نیز همین کتاب است که به اهتمام علیرضا اباذری و محسن شریفی دانا تصحیح شده است. (قم: سماء قلم، ۱۳۹۴ ش)

ص ۱۷. از میرزا علی نوری نام برده‌اند که نوه پسر نوری بوده است.

می‌افزایم: ایشان به میرزا علی بهزادی (به اعتبار نام یکی از اجدادشان) شهرت داشته است، چنان‌که هم اکنون لقب بعضی از بازماندگان این خاندان بهزادی است یا پیشوند و پسوندی بر آن افزوده‌اند. از جمله

بدین روی هرگونه حق‌گزاری از او در هر حد و جایگاه قابل توجه و تقدیر است.

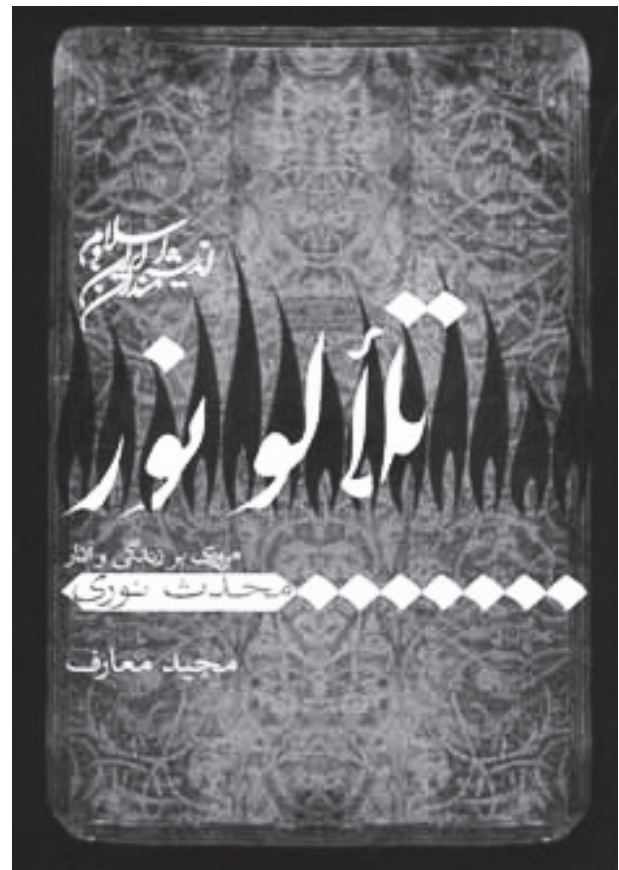
## (۲)

کتاب تالو نور کتابی مختصر و مفید است در شناساندن چهره محدثی که با عمری نسبتاً کوتاه در نیمه دوم سده سیزدهم و نیمه نخست سده چهاردهم، اثری ژرف بر نسل‌های بعدی نهاد؛ اثری که تا کنون باقی است.

این کتاب در سلسله اندیشه‌مندان ایران و اسلام منتشر شده، سلسله‌ای که با ده‌ها کتاب، گامی برای آشنایی جوانان با شخصیت‌های علمی برداشته است.

نویسنده دانشمند، کتابی خوشخوان، روشمند، جامع، روان، پر استناد و آموزنده عرضه کرده است. چنان‌که پیش از این (سال ۱۳۸۹) کتاب دیگری در همین سلسله - کتاب محدث صادق درباره شیخ صدوق و آثارش - ارائه کرده بود.

سال‌ها تدریس در دانشگاه با اخلاق و تواضع و پشتکار و دلسوزی، نظمی منطقی به سخن او داده که این نظم و ادب در آثار مکتوبش - اعم از کتاب و مقاله - نیز مشهود است. گزیده‌گویی، پرهیز از حواشی و فراموش نکردن عنوان بحث، درس‌هایی است که از این قلم باید فرا



استاد مشهور کتابداری که نگارنده در خدمتشان درس آموخته‌ام، سرکار خانم دکتر ماندانا صدیق بهزادی که به اظهار خودشان از خاندان محدث نوری هستند.

عالم محقق مرحوم استاد عبدالحسین حائری می‌فرمود: زمانی که در قم در محضر مرحوم آیت‌الله بروجردی درس می‌خواندیم، با میرزا علی بهزادی هم‌درس بودیم و آیت‌الله او را بدان جهت بسیار تکریم می‌کرد. مرحوم حائری می‌افزود که آیت‌الله بروجردی با توجه به ارزش کتابخانه محدث نوری که دیده بود در حال تفرق و پراکندگی است تا جایی که توانست به واسطه میرزا علی بهزادی نسخه‌های خطی از آن خریداری کرد و به مدارس تحت نظر خود در قم و نجف و کرمانشاه فرستاد.

می‌افزایم: اکنون که فهرست‌های نسخه‌های خطی این مراکز به اهتمام مجمع ذخائر اسلامی قم منتشر شده است، شمار قابل توجهی از کتاب‌های موجود در کتابخانه مرحوم نوری را در آنها می‌توان یافت. نیز نویسنده به طور اجمال به این مطلب اشاره کرده است (ص ۴۶)، بدون تفصیلی که آوردم.

ص ۳۷. چند نقد بر آثار محدث نوری از بعضی بزرگان نقل کرده‌اند.

البته نگارنده محدث نوری را معصوم و در امان از خطا نمی‌دانم و چنین قضاوتی درباره هیچ یک از افراد بشر - جز انبیا و امامان (علیهم السلام) - صحیح نیست، اما در مورد برخی سخنان نقدآمیز باید تأمل کرد. متأسفانه بعضی از نقدهای وارد بر نوری، منشأ شخصی دارد که از بیان دانسته‌هایم خودداری می‌کنم. و نعم الحکم الله.

ولی بعضی از نقدهایی را که بیان کرده‌اند جای تأمل دارد. مثلاً سخن مرحوم سید هبه‌الدین شهرستانی فقط بیان یک موج در برابر نوری در زمان حیات اوست، اما کیست که نداند متأسفانه گاهی موجی غیرعالمانه در برابر یک عالم به راه می‌افتد که بیشتر سلسله‌گردانان آن افرادی هستند که خود هرگز با آن عالم آشنایی دقیق و برخورد عالمانه ندارند. نمونه‌های فراوان در این مورد، در گذشته و حال قابل اشاره است.

این سخن شهرستانی فقط بیانگر چنین موجی است و نه نقد خاص بریک مبحث او. از آن گونه که در سطور آینده بدان اشاره خواهم کرد و بسیار مغتنم و عالمانه و ضروری است.

نقد صاحب احسن الودیعه سخنی است که دکتر معارف خود در ص ۵۷ کتاب بدان جواب داده‌اند، بدون اینکه به ارتباط کلام خود با این سخن اشاره کرده باشند. مسئله اعتبار بعضی از منابع مستدرک الوسائل، کاری کارشناسی است و طبیعی است که محقق کتابشناسی مانند نوری در مورد برخی از کتابها نظری متفاوت با دیگران داشته باشد و بر آن اساس از کتابهایی نقل کند که دانشور دیگر، آنها را ضعیف می‌دانسته و از آنها نقل نکرده است.

بعضی نقدها نیز بسیار کلی است و ناقد بزرگوار، مورد نقد خود را در میان آثار محدث نوری معین نکرده است. پس اینگونه نقدها نیز تا آن زمان قابل پیگیری نیست و حداکثر اینکه: «ذره فی بقعة الإمكان».

ص ۴۰. آثار محدث نوری را به ترتیب تاریخ نگارش مرتب کرده‌اند که از ابتکارات بسیار جالب این کتاب است. البته در جای دیگر (ص ۸۵) همین فهرست را به ترتیب الفبای عنوان آورده‌اند و این حاکی از روشمندی نویسنده است که بدان اشاره شد.

دو نکته در مورد این فهرست گفتنی است:

الف) در مورد دیوان المولودیه (ص ۴۱ و ۸۴) نوشته‌اند: «چاپ شده است». این بنده با پیگیری نزدیک به سی سال در مورد آثار محدث نوری تا کنون از نسخه چاپی آن در گذشته یا کنون خبری نیافته و در فهرس ندیده‌ام. کاش نویسنده مشخصات چاپی ذکر می‌کردند. به هر حال بر اساس تنها نسخه خطی شناخته شده آن که آغاز و انجامش افتاده است، چند قطعه از آن منتشر کرده‌ام. برای مثال قصیده غدیریه در مجموعه سفینه علوی (تهران: دانشگاه آزاد اسلامی تهران شمال، ۱۳۸۰ش)، ترجیع بند حسینی (مجله صحیفه اهل بیت، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۴ش).

ب) شماره‌های ۲۵ به بعد در این فهرست قاعدتاً بدان جهت در آخر فهرست یاد شده که نسخه‌اش به دست نیامده و تاریخ تألیف آنها روشن نیست. با این همه به قرینه می‌توان حدود آن را حدس زد تا در فهرست زمانی در جای خود بیاید. مثلاً تقریر دروس شیخ العراقرین مربوط به نخستین دوره اقامت نجف (پیش از ۱۲۹۱ق) و تقریر دروس میرزای شیرازی مربوط به دوره حیات ایشان (پیش از ۱۳۱۲ق) است.

ج) فهرست کتابخانه شخصی مربوط به سال ۱۲۹۷ قمری است، چنان‌که نویسنده در جای دیگر کتاب (ص ۴۵) گفته است.

۵. ص ۴۷. نویسنده در اینجا و جای دیگر (ص ۷۱) به سلوک معنوی محدث نوری اشاره کرده است. از منابع مفید در این زمینه دو رساله از آن فقیه است که در واقع گزارش دو منبرایشان بوده که شیخ محمد حسین کاشف الغطاء (شاگرد نوری) نوشته است. این گزارش‌ها اخیراً در میان اسناد کاشف الغطاء یافته شده و عتبه عباسیه در کربلا آنها را تحت عنوان «رسالة فی التقوی» نشر داده است. البته یک گفتار درباره تقوا و گفتار دیگر درباره آداب مجاورت حرم‌های مطهر است. ترجمه هر دو گفتار را نگارنده به پایان برده که در فضای مجازی منتشر شده است.

۶. ص ۴۸. در مورد وفات محدث نوری مطالبی مفید آورده‌اند، اما یکی از مطالب بسیار جالب در این زمینه، یادداشتی از مرحوم شیخ عباس قمی در شب رحلت استادش است که نوه دانشمند آن فقیه در اختیارم نهاد و در فضای مجازی منتشر کرده‌ام.



## اساساً یکی از موضوع‌هایی که می‌تواند دست کم موضوع یک مقاله پژوهشی قرار گیرد، مقایسه جدی میان وسائل و مستدرک الوسائل در ابواب مشابه است تا روشن شود که مستدرک، فقط مستدرک نیست، بلکه نوعی نقد برسائل نیز هست.

۷. ص ۵۱. تحلیل شرایط اجتماعی و فرهنگی در عصر محدث نوری، از بخش‌های شیرین و خواندنی کتاب است که زمینه را برای نگارش زندگی‌نامه تحلیلی نوری فراهم می‌کند. واقعیت این است که یکی از خلأهایی که در عرصه پژوهش داریم، زندگی‌نامه‌های تحلیلی برای شخصیت‌های اثرگذار است. دکتر معارف در کتاب دیگر خود محدث صادق نیز به تحلیل وضع زمان شیخ صدوق پرداخته و مقدماتی برای این مهم سامان داده است.

۸. ص ۶۰. به نثر فارسی آثار مرحوم

نوری اشاره کرده‌اند. انصاف این است که نثر فارسی آثار علامه محمدباقر مجلسی - با اینکه حدود دویست سال پیش از نوری می‌زیسته - بسیار روان‌تر از محدث نوری است. این واقعیتی است که ادیبانی مانند ملک الشعراء بهار در کتاب سبک‌شناسی و شاهرخ مسکوب در یکی از آثارش که دیده‌ام و مشخصاتش را فراموش کرده‌ام یادآوری کرده‌اند و هر که بخواند این مدعا را تأیید می‌کند. این‌گونه نثر مغلوق در آثار فارسی نوری، از مشکلات آثار اوست که البته به ویژگی کلی نثر فارسی در آن دوره برمی‌گردد.

۹. ص ۶۵. به تحقیق و تتبع در آثار محدث نوری اشاره کرده‌اند. یکی از موارد تحقیق و تتبع و دقت نظر ایشان، نقدی است بر شیخ حرّ عاملی در باب جواز - بلکه استحباب - طواف درباره قبور مطهرائمه علیهم‌السلام که در تحیة الزائر آورده و بدون ذکر نام از محدث عاملی و در کمال ادب، کلام ایشان را تمام کرده است.

اساساً یکی از موضوع‌هایی که می‌تواند دست کم موضوع یک مقاله پژوهشی قرار گیرد، مقایسه جدی میان وسائل و مستدرک الوسائل در ابواب مشابه است تا روشن شود که مستدرک، فقط مستدرک نیست، بلکه نوعی نقد برسائل نیز هست. گرچه ادب و اخلاق پژوهش و نگارش که قدما خود را بدان ملزم می‌دیدند، سبب شده که این نکات را در قالب استدراک بیان کنند. این نکته ناقص بیان کسانی است که مستدرک را در سطح حداقل (استدراک) دانسته‌اند و مؤید گروهی است که هر پژوهشی را بدون رجوع به مستدرک ناتمام می‌دانند، چنان‌که نویسنده به آنها اشاره کرده است (ص ۱۳۲ تا ۱۳۴).

۱۰. ص ۶۵. به حدیث مجدد اشاره شده است. خوب است در این زمینه به پژوهش جناب استاد رضا مختاری ارجاع شود که پیشتر در

مجله علوم حدیث شماره ۲۸ (تابستان ۱۳۸۲ ش) و اخیراً در مجموعه مقالات ایشان، جمع پریشان آمده است.

۱۱. ص ۶۸. خوب است در ادامه عنوان «دفاع از مذهب شیعه و...» به شکوه و گلابه محدث نوری از زائران عتبات اشاره شود. وی در کتاب تحیة الزائر - که آخرین اثر مکتوب اوست و به سال ۱۳۲۰ قمری نوشته - از زائران گلابه می‌کند که چرا نسبت به زیارت نواب اربعه در بغداد، با وجود آسانی این زیارت و فاصله مکانی بسیار کوتاه این چهار مزار با هم - توجهی ندارند. نوری این عدم توجه را نشانه کم‌توجهی مردم به حجت‌حی‌خدا در روزگار ما، حضرت امام مهدی (ارواحنا فداه) می‌داند. درد دل ایشان به گونه‌ای است که هنوز وضع همان است و گلابه نوری جریان دارد.

۱۲. ص ۶۹. رساله فی ترجمه ابی الحسن الشریف. گفته‌اند که این رساله مخطوط است. باید دانست که نسخه آن در کتابخانه مدرسه فیضیه قم بوده که این بنده متن آن را در جنگ انجمن فهرست‌نگاران به چاپ رسانده‌ام.

رساله شرح حال مولی ابوالحسن شریف در آغاز تفسیر مرآة الانوار آمده است. محدث نوری رساله‌ای بدین سان در معرفی میرزا عبدالله افندی اصفهانی در آغاز نسخه صحیفه ثالثه سجادیه (مخطوط کتابخانه مجلس) نوشته که به تذکر مرحوم استاد عبدالحسین حائری از آن خبردار شدیم و متن آن در مجله سفینه شماره ۷، سال ۱۳۸۴ ص ۱۷۹ تا ۱۸۳ منتشر شد. این رساله در هیچ یک از فهرس آثار مرحوم نوری یاد نشده بود.

ضمناً در ادامه بحث توجه محدث نوری به بزرگان قدیم، می‌توان به اهتمام ایشان به بازسازی مزار جناب سید محمد در نزدیکی سامرا اشاره کرد که محدث قمی - شاگرد او - به تفصیل در آثارش بیان کرده است.

۱۳. ص ۷۵. از اخباریان تعبیر به «فرقه» شده است. اگر مراد از این کلمه، معنای لغوی آن باشد، روشن است که اخباریان گروهی از عالمان شیعه‌اند با گرایش‌های خاص خود، ولی اگر مراد، معنای متداول از کلمه فرقه باشد، کاربرد آن در مورد اخباریان چندان صحیح نیست.

به علاوه صفت اخباری، مشترک لفظی است میان طیف گسترده‌ای از عالمان شیعی که نویسنده خود (ص ۷۶) شماری از آنان را یاد کرده و تفاوت رویکردهای آنان روشن است. به هر حال کلام در اینجا تفصیلی دارد که در خور اجمال این مقال نیست.

۱۴. ص ۸۰. نویسنده منابعی مانند اصل زید زژاد را مشکوک دانسته و آن‌گاه نقل محدث نوری از آنها را شاهی بر اخباری بودن او می‌داند.

نقد روش شناختی بر این کلام آن است که مرحوم نوری ابتدا اعتبار این

مجموعه «آشنایی با نسخه‌های خطی» چاپ شده است که باید تذکر داده می‌شد، چنان‌که نویسنده خود به تفصیل (ص ۱۱۷) در مورد آن سخن گفته است.

۱۸. ص ۸۸. ذیل آداب زیارت (که بخشی از تحیة الزائر است) گفته است که آداب زیارت را که مرحوم شیخ عبدالله مامقانی در کتاب مرآة الکمال خود آورده، عمدتاً ترجمه عربی مطالب محدث نوری است (بیروت: دار المحجة البيضاء، ۱۴۲۱ ق). نویسنده گزیده‌ای از این آداب را آورده که بسیار مفید است. ضمناً مکمل موضوعی آن، آداب مجاورت حرم ائمه است که در سطور پیشین بدان اشاره شد.

۱۹. ص ۹۴. نویسنده کتاب مشهور منتهی المقال در علم رجال را از شیخ حسین عبدالله مرعی دانسته‌اند. معنای آن را نفهمیدم. به احتمال قوی خطای مطبعی است، ولی نیاز جدی به تصحیح و اصلاح دارد.

۲۰. ص ۹۷. موضوع رساله سلامة المرصاد را زیارت عاشورای غیر معروفه دانسته‌اند. باید دانست که این رساله ۱۲۰ صفحه‌ای دردو موضوع است: یکی عاشورای غیر معروفه و دیگری اعمال مسجد کوفه. تصویر نسخه چاپ سنگی آن را در اختیار دارم که یکی از تاجران موفق آن زمان - مرحوم عباسعلی خیام تبریزی - موفق به نشر آن شده است. وی چندین کتاب دیگر را نیز منتشر کرده است.

۲۱. ص ۹۸ و ۱۰۰. ذیل صحیفه علویه ثانیه و صحیفه رابعه سجادیه، برای تکمیل فایده، می‌توان تلاش مرحوم آیت الله سید محمدباقر ابطحی را یادآور شد که با نگارش و تدوین صحیفه‌های جامعه، از جمله صحیفه جامعه علویه، این کتاب‌های پراکنده را سامان داده و مجموعه‌های مفیدی پدید آورده است.

۲۲. ص ۹۹ و ۱۰۰ و ۱۰۲. اقدام نویسنده در گزینش برخی از دعاها بسیار ستودنی است؛ زیرا کتابی که برای عموم مردم است، جز مباحث تخصصی، باید مطالبی برای عموم داشته باشد، ولی اعراب دعاها لازم است.

۲۳. ص ۱۰۴. ذیل کتاب الفیض القدسی (تألیف محدث نوری در شرح حال علامه مجلسی) برای تکمیل مطلب، می‌توان به دو کتاب کتابشناس معاصر جناب سیداحمد اشکوری اشاره کرد: تلاهذة العلامة المجلسی و اجازات العلامة المجلسی. آخرین چاپ هر دو کتاب توسط کتابخانه مجلس عرضه شده است.

۲۴. ص ۱۱۹. به تقریظ آیت الله زنجانی بر کتاب کلمه طيبة محدث نوری اشاره شده است. با توجه به شباهت اسمی احتمالاً صاحب مقدمه، آیت الله سیدعزالدین زنجانی است که بهتر است به دقت مشخص شود.

کتاب‌ها را به ادله خود ثابت کرده و آن‌گاه از آنها نقل حدیث می‌کند. اگر نقدی بر آن ادله داریم، در جای خود باید بیان شود. ولی درست نیست که ما در جای خود باشیم و درباره نویسنده‌ای در جای خودش - که الزاماً جای ما نیست - قضاوت کنیم. اساساً تمام دوره مفصل خاتمه مستدرک الوسائل، دفاعیه محدث نوری است از چنین اشکال‌هایی که بر او می‌توان گرفت. البته باب بحث باز است، اما به گونه‌ای مانند آیت الله شبیری زنجانی که به کار ایشان در سطور بعدی اشاره خواهد شد. نویسنده نیز به حق اشاره کرده‌اند که این موضوع باید از سرتأمل و مذاقه بیشتر بررسی شود. (ص ۸۲).

مشابه این بیان را می‌توان ذیل کلام مؤلف آورد (ص ۱۱۰) که کتاب احتجاج طبرسی را در ردیف کتاب القرائات غیر معتبر دانسته است.

همین جا در زمره تلاش‌های بی‌دریغ و بی‌وقفه محدث نوری اشاره کنم به مسند کردن احادیث مرسل که در کارنامه اوست. نوری در یکی از نامه‌های خود خطاب به میرحامد حسین یادآور می‌شود که برای بیست و چهار حدیث از صد حدیث روضه شاذان بن جبرئیل، سند یافته و در حاشیه نسخه خود نوشته است.<sup>۲</sup> بدیهی است که تا زمانی که در مورد کتاب شاذان، به عنوان مجموعه احادیث مرسل قضاوت شود، به یک نتیجه می‌رسیم، اما وقتی آنها را مسند ببینیم، قضاوت به گونه دیگری شود. متأسفانه با تفرق کتابخانه محدث نوری، برخی از این تعلیقات ایشان بر کتاب‌ها را از دست داده‌ایم.

۱۵. ص ۸۴. در مورد مشجره مواقع النجوم، آن را غیر مطبوع دانسته‌اند. باید دانست که این مشجره را مرحوم آیت الله مرعشی همراه با مشجره اجازات علماء الامامیه نوشته ابوالقاسم طباطبایی که از نظر مقصد و شیوه شبیه به آن است، با یادداشتی در وصف هر دو اثر منتشر کرده‌اند (قم: کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۶ ق). ضمناً این مشجره یکی از شواهد ابتکارگرایی در نگارش‌های محدث نوری است که به عنوان سرفصلی در تحلیل آثار ایشان جلب نظر می‌کند. این بیان مکمل توضیحات نویسنده (در صفحه ۱۲۸) نیز تواند بود.

نویسنده در جای دیگر (ص ۲۴) به مناسبت اجازات محدث نوری، سخنی کوتاه و مفید در مورد اجازه و جایگاه آن در علم الحدیث آورده است. باید دانست که نخستین ویژه‌نامه نشریه علمی تخصصی در باب بحث اجازه، نشریه کتاب شیعه، در شماره ۷ و ۸ از زوایای گوناگون به این مبحث مهم پرداخته است.

۱۶. ص ۸۵. نویسنده فهرست کتابخانه محدث نوری را به نقل از محقق تهرانی غیر مطبوع دانسته‌اند. البته در آن زمان چنین بوده، ولی در سال ۱۳۵۵ شمسی به اهتمام سیدحسین مدرس طباطبایی در

۳. سواطع الاوار، ص ۹۱ - ۹۳.



## نقد روش شناختی بر این کلام آن است که مرحوم نوری ابتدا اعتبار این کتاب‌ها را به ادلّه خود ثابت کرده و آن‌گاه از آنها نقل حدیث می‌کند. اگر نقدی بر آن ادلّه داریم، در جای خود باید بیان شود. ولی درست نیست که ما در جای خود باشیم و در باره نویسندگانی در جای خودش - که الزاماً جای ما نیست - قضاوت کنیم.

۲۵. ص ۱۲۲. ذیل کتاب کشف الاستار نویسنده خود به آخرین و جامع‌ترین تحقیق کشف الاستار توسط محقق معاصر نجفی، احمد علی مجید (ابوجعفر) حلّی ضمن منابع اشاره کرده (ص ۱۴۴ شماره ۲۸)، ولی در توصیف کتاب از آن یاد نکرده است. نگارنده این سطور، در مورد این تحقیق جامع و مزایای آن نسبت به چاپ‌های پیشین آن، در مقاله‌ای مستقل سخن گفته است (نشریه آینه پژوهش، شماره ۱۳۴، سال ۱۳۹۱ ش).

۲۶. ص ۱۲۵. به نظر محدث نوری در مورد لهوف اشاره شده است. می‌توان یادآور شد که شهید سید محمد علی قاضی طباطبایی در پژوهش مفصل خود در باب اربعین سید الشهداء (علیه السلام) که در زمان حیاتش چاپ شد، این نظر را به نقد کشیده است.

۲۷. ص ۱۲۸. به کتاب معالم العبر اشاره شده است. باید دانست که نگارنده این سطور، این کتاب را تحقیق و تصحیح کرده و به ناشر سپرده است که امید می‌رود زودتر به بازار نشر برسد.

۲۸. ص ۱۳۱. ذیل کتاب وسائل الشیعه و مستدرکاتها باید اشاره می‌شد که از این دوره، فقط پنج مجلد چاپ شد و تمام نشد. البته این کار در زمانی بود که هیچ یک از دو کتاب (وسائل و مستدرک) چاپ حروفی نداشتند.

۲۹. ص ۱۳۴. قصه مستدرک الوسائل سردراز دارد، ولی در این مجال فقط به چند نکته اشاره می‌رود:

الف) این کتاب بر آیت‌الله سید احمد صفایی خوانساری بسیار اثر گذاشته و او استفاده فراوان خود از این کتاب در ضمن موسوعه کتابشناسی کشف الاستار را یاد آورده است. (متن کامل کشف الاستار توسط مؤسسه آل‌البیت در دست انتشار است و تا کنون چند مجلد آن نشر یافته است).

ب) آیت‌الله شیخ علی نمازی شاهرودی بر مبنای دیدگاه محدث نوری کتابی در اثبات اعتبار کتب اربعه نوشته با عنوان الاعلام الهادیة الریفیة فی اعتبار الکتب الاربعه که بارها چاپ شده است. ملخصی از این کتاب، به تلخیص و ترجمه فارسی دکتر منصور میر در فصلنامه

سفینه شماره دوم آمده است.

ج) بخشی از درس آیت‌الله سید موسی شبیری زنجانی در مورد کافی، نقد و بررسی مطالب محدث نوری است. این بخش را نیز در شماره دوم فصلنامه سفینه می‌توان خواند.

د) یکی از اعلام استدراکی بروسائل نوشته که البته نام مؤلف معلوم نشده، ولی نسخه خطی آن در کتابخانه مجلس موجود است و نگارنده این سطور، یادداشتی مختصر در مورد آن در نشریه کتاب شیعه، شماره ۲، سال ۱۳۸۹، ص ۲۵۱ - ۲۵۳ نوشته است. مقایسه آن استدراک یک جلدی با مستدرک محدث نوری، موضوع یک مقاله مستقل تواند بود.

۳۰. ص ۱۳۷. در مورد نجم ثاقب توضیحاتی آورده‌اند. تذکر این نکته مهم است که بر مبنای مقدمه این کتاب، ابتدا به محدث نوری پیشنهاد شده بود که کتاب کمال الدین صدوق را به فارسی ترجمه کند، اما او که از ترجمه کتاب به دست سید علی امامی خبر داشت، از کار تکراری پرهیز کرد و پس از مدتی اندیشیدن به نجم ثاقب رسید.

۳۱. ص ۱۴۱. در مورد کتاب نفس الرحمن آرزوی نویسنده برای چاپ تحقیقی این کتاب به تحقق رسیده و متن کتاب به تحقیق جواد قیومی منتشر شده است (تهران: آفاق، ۱۳۶۹ ش). همچنین ترجمه فارسی آن توسط ایاد کمالی اصل نشر یافته است (قم: یاد اندیشه، ۱۳۸۹ ش).

این نکته نویافته را بیفزاییم که یکی از نسخه‌های معتبر کتاب اخیراً شناسایی شده است. در ضمن نسخه‌های خطی اهدایی مقام معظم رهبری به آستان قدس رضوی، نسخه‌ای از نفس الرحمن هست که حدود سه ماه پس از تألیف به دست احمد بن حسن قفطان کتابت شده (تألیف: ۲۳ ماه رمضان ۱۲۸۳، کتابت: ۲۷ ذیحجه ۱۲۸۳) و به شماره ۳۲۹۴۳ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.<sup>۴</sup> این نسخه همچنین پنج صفحه اشعار عربی دارد که کاتب از روی نسخه اصل مصنف آورده است.

۳۲. در معرفی منابع کتاب، نام مرحوم محمد باقر کمره‌ای به شکل «کوه کمره‌ای» نوشته شده است. توضیح لازم اینکه کوه کمر، منطقه‌ای در آذربایجان است که مرحوم آیت‌الله سید محمد حجت از آن منطقه بوده، ولی کمره از توابع خمین است، چنان‌که شیخ محمد باقر کمره‌ای در برخی از کتابهایش، پسوند «خمینی» را نیز به اسم خود می‌افزود.

نویسنده در کتاب دیگر خود، محدث صادق ص ۱۸۱ و ۱۸۲ نیز بدین گونه نوشته است که باید تصحیح شود.

۴. فهرست نسخه‌های خطی اهدایی مقام معظم رهبری به آستان قدس رضوی، ج ۲: اخبار، ۲، نوشته محمد حسن نوری نیا، نادر علیزاده، حسین خبازیان. مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی، ۱۳۸۹ ش. ص ۷۷۵ - ۷۷۶.

(که در مورد شیخ صدوق است) از بهترین کتاب‌های زمینه موضوعی خود به شمار می‌آیند؛ زیرا در کمال اختصار، با گزینش مرتبط‌ترین مطالب و با دسته‌بندی خوشخوان و روان به بیان مطالب می‌پردازد.

توفیق استاد را در زمینه نگارش شرح حال دیگر بزرگان مکتب اهل بیت را از خدای بزرگ خواهانیم و امیدواریم که به دعای خیر حضرت بقیة الله همچنان بیش از پیش شاهد آثار ایشان در این زمینه باشیم.

#### (۸)

پاداش معنوی نگارش و نشر این گفتار را - که در گرامی روز میلاد حجت هشتم، حضرت امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) نوشته می‌شود به نیابت از طرف دانشور محقق مرحوم استاد عبدالحسین حائری به حضرتش تقدیم می‌کنم. استادی بزرگوار که حق فراوان بر نگارنده سطور دارد و امروز در سومین روز رحلت او قلم به دست گرفته ام و این وجیز ناچیز را نگاشته‌ام. رحمت گسترده الهی بر آن استاد کم نظیر مستدام باد.

۳۳. یکی از آثار فارسی در مورد محدث نوری که در سال‌های اخیر، فضل تقدم در این مورد دارد، کتاب روایت نور (قم: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲ ش) نوشته محمد صحتی سردرودی (از سلسله دیدار با ابرار) است که در شمار منابع این کتاب نیست. برای تکمیل کتاب در چاپ‌های بعد، خوب است که به آن منبع نیز رجوع شود.

#### (۵)

خطاهای چاپی چندی به متن کتاب راه یافته که برای تصحیح در چاپ‌های بعدی تذکر داده می‌شود.

ص ۱۰، پ ۱: نادرست: القدس / درست: القدسی.

ص ۱۹، س ۱ و ۱۱: محمد شیرازی / محمد حسن شیرازی.

ص ۲۳، س ۱۲: کهنویی / لکهنویی.

ص ۲۶، پ ۱: ص ۵۹ - ۳۳۱ / ص ۱۰۳ - ۱۳۳.

ص ۳۵، س ۵: ضیع الدوله / صنیع الدوله.

ص ۳۸، س ۱۲: فقد / فقه.

ص ۵۲، س ۱۴: این سطر به شکل درست: بالای دینی باشند و بتوانند نظام اعتقادی مردم را ....

ص ۱۴۴، س ۱: محمد بافقی / محمد تقی بافقی.

ص ۱۴۷، س ۲۸: الرصول / الرسول.

#### (۶)

### دو نکته دیگر

الف) در مورد تقسیم عددی مطالب و حد و اندازه کاربرد آن در برابر مخاطب‌های مختلف اختلاف نظر وجود دارد. در پایان‌نامه‌ها، می‌توان به این شیوه عمل کرد، ولی در کتابی با مخاطب جوانان و عموم مردم تا چه اندازه مفید است؟ شاید باز خورد خوانندگان ما را به پاسخ مناسب و دور از سلیقه برساند.

نیز بهتر است از تقسیم‌های بدون تقسیم پرهیز شود که چند مورد در این کتاب آمده است. مانند ص ۱۹، ۲۴، ۷۲، ۹۲، ۹۸، ۱۰۳، ۱۱۹، ۱۲۴، ۱۴۱.

ب) نویسنده مقدمه تحقیق در مورد متون کهن یا مقدمه مترجم در مورد کتاب‌های ترجمه شده را یک منبع جدا و متمایز از اصل کتاب به شمار آورده است. این ابتکار بسیار نیکو در مقام اطلاع‌رسانی و بازیابی مطالب، ستودنی و قابل پیروی است، به ویژه آنکه ساختار خشک اداری در مورد استناددهی را می‌شکند.

#### (۷)

تمام نکته‌هایی که گفته شد، فرع بر این حقیقت است که این کتاب مانند کتاب دیگر نویسنده در این وادی؛ یعنی کتاب محدث صادق